

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1390/01/14



دامه بحث از اعيان نجسه

نجاست مني

ما از اعيان نجسه مني را بحث كرديم و كامل شد مني و ملحقات مني را گفتيم مني از اعيان نجسه است و مذي و ودي و وذي ترشحاتي است كه نجس نيستند و ناقض هم نيستند و نصوص در اين رابطه در حد استفاضه وجود دارد اختلاف هم بين فقهاي اهل بيت نيست مگر از ابناء عامه و فقط ابن جنيد نظر مخالفی فرموده براي تاييد مطلب كه ما گفتيم وذي و ودي و مذي نه نجس است و نه ناقض بعضي از عزيزان كه دكتور و دانشمند و فاضل هستند گفتند كه از لحاظ علمي مذي و ودي و وذي ربطي به بول مني و ندارد مسيرشان جداست ترشحاتي است ربط به بول و مني هم ندارد اين از ان جهت مويدي است

- ايا در زنان هم خروج مني و استبراء وجود دارد

اما بحث نسبتا جديد اينجا تداعي شد كه عنوان كنيم مني و استبراء اختصاص به مردان ندارد اين يك بحث مهمي است ايا بانوان هم استبراء لازم دارند و محتلم مي شوند و مني درباره بانوان اصلا آمده كه از همين اهل خبره پزشكي نظري گرفتيم كه مني درباره نسوان مشكل دارد خروج مني از بانوان از لحاظ علمي كاري است كه علم قبول ندارد اين را بحث مي كنيم زمينه بحث كه معلوم شد در اين رابطه دو وجه يا حتي دو قول وجود دارد

قول اول خروج مني و استبراء مختص به مردان است

وجه اول اين است كه مني و استبراء اختصاص به رجال دارد

دلائل قول اول

در اين رابطه ادله اي وجود دارد دليل اول لغت ما به لغت نامه ها كه مراجعه مي كنيم مني را مي گويد ماء الرجل ابن منظور در لسان العرب مي گويد المنى ماء الرجل مصباح المنير مي گويد شي معروف نياز به معني ندارد براي زنها مني بكار نرفته در لغت اين يك نکته مطلب دوم در ايه قرآن سوره قيامت ايه 37 الم يك نطفه من مني يمني اين مني

مستند شده است به رجال نطفه هم ازمني مرد افریده مي شود که در يمني که يراق في الرحم که ريخه مي شود در رحم بانوان اين دو تا نکته در اصطلاح که مراجعه کنيم اصطلاح فقه هر کجا بحث از نجاست لباس به توسط مني و امثال اين مسائل که ديده مي شود مقصود مني رجال هست

سوال از ايه شريفه چگونه استفاده مي کنيد جواب الم یک نطفه من مني يمني في رحم زنها مني از رجال ريخته مي شود در رحم زنها ان مني در اين ايه مخصوصا براي مرد بکار رفته يمني به معنای ريخته شده در رحم زن به معنای رشد نيست پس دليل اول لغت دليل دوم قران دليل سوم اصطلاح فقها چهارم دليل علمي همين اهل خبره فرموده اند که از لحاظ علمي مني از رحم زن بيرون نمي آيد واديهايي هست در باطن زن که از قسمت رحم که نطفه منعقد مي شود یک وادي هست که ماءالرجل که وارد مي شود انجا و لقاح صورت مي گيرد مني از زن از لحاظ علمي خارج نمي شود اين هم دليل چهارم تمام اينها خلاف مشهور است و خلاف فتوا هم هست البته قول ضعيف داريم و اما نصوص رواياتي است که سند صحيح دلالت هم واضح مبني بر اينکه از زنها اگر ترشحاتي امد و انزال صورت گرفت غسل بر انها واجب نيست نتيجه اش مي شود عدم خروج مني اين نصوص را مي خوانيم نصوص متقابل است نصوص صحاح هم هست به یک نص اشاره کنيم که به عنوان نمونه باشد کتاب وسائل جلد 1 باب 7 از ابواب جنابت حديث 21 و حديث 22 در حديث 21 مي فرمايد از اقا امام صادق عليه السلام اذيه بن زرارہ نقل مي کند حديث مضمرة است درباره زني که محتلم مي شود اين قسمتش را بخوانم احتملت و ليس لها بعل قال عليه السلام لا ليس عليهن ذلک غسل ندارد و قد وضع ذلک عليكم حديث استشهاد مي کند ايه قران وقد وضع الله ذلک عليكم خداوند احتلام و جنب شدن را بر شما مردان اختصاص داده قال و ان كنتم جنبا فاطهروا و لم يقل ذلک لهن ان كنتن نگفته است بنا براین زنها محتلم نمي شوند احتلام باب افتعال از ماده حلم يعني خواب اصل احتلام خواب دیدن است در عرف فقه خواب دیدن مجامعت است و بعد هم انزال اصل معنايش اين است احتلام مساوي با انزال است در عرف شرع محتلم براي مردان مستلزم انزال است در هر صورت احتلم دارد جنب نمي شود چون جنب را قران گفته ان كنتم نگفته ان كنتن اين معنا را که گرفتيد درباره خانمها هم آمده احتملت يعني خواب مجامعت را مي بيند و لي انزال مني نمي شود اين روايت از یک سو که خودش روايت است از سوي ديگر استدلال به ايه قران هم به عمل آمده

قول دوم عدم احتلام زنان

و اما قولي از فقها هست که بانوان محتلم نمي شوند سيد يزدی مي فرمايد از قول و القول بعدم احتلامهن ضعيف قول هست ما نياز داريم در بحثمان وجهي داشته باشيم و قولي داشته باشيم حالا ضعيف کار نداشته باشيد سيد اعتراف فرمود که و القول بعدم احتلامهن ضيعف اين وجه اول خلاف مشهور است و ادله اش ادله نستا قوي بود حالا برويم به سمت راست برويم که فتوا چيست و فقها چه مي گویند اما وجه دوم که مي گویند بانوان محتلم مي شوند سيد يزدی در کتاب عروه جلد اول در ضمن فصل في الجنابة مسئله 6 مي فرمايد المراه تحتلم كالرجل وحينئذ اذا انزلت عنها الماءيجب عليها الغسل اين فتواي صريح سيد يزدی است و از فقها هم کسی فقهاي ال البيت کسی مخالف در اين رابطه نديديم محل وفاق اين طرح مسئله

استدلال قائلين قول دوم

اما ادله درباره ادله اولاً ان موانع را از سر راهمان برداريم مانع اول كه به عنوان دليل گفته مي شود تعبیر اهل لغت بود در اصول كه خوانده ايد كه اهل لغت اعتباري ندارد حجيت قول لغوي بحثي بود فقط صفحات از كتاب را فرا گرفت هيچ دليل اصولي براي حجيت قول لغوي اربابان اصول قائل نيستند اين اولاً و ثانياً بر فرضي كه بگوئيم كه قول لغوي از باب خبره اعتبار دارد تصريح لغت اعتبار دارد نه ظهور جايي كه اهل لغت بيايد بگويد مني فقط مختص به رجال است اين تصريح است ممكن است بگوئيم اعتبار دارد اگر بگويد مني هو ماء الرجل ظهور دارد تصريح نيست ظهور قول لغوي حجيت ندارد ببينيد حجيت خود قول لغوي است و حجيت ظهور قول لغوي است ظهور قول لغوي كه حجيت ندارد ظهور قول لغوي كه حجيت ندارد چون ما حجيت ظهور را به مقدمات حكمت و مولا در مقام بيان باشد و قرينه ترك استفصال از اين باب استفاده مي كرديم ان سري بحثها درباره اقول لغوي كه جا ندارد ظهورش قطعاً حجت نيست پس قول لغوي را بگيريد اين قسمت خالي كنيد مانع دوم سيد الاستاد (ره) مي فرمايد زبان حال و قال اولاً اين روايت مرسل است هيچ اعتبار قانوني ندارد و بعد از كه اين روايت مرسل بود خود روايت از اعتبار مي افتد و روايت كه از اعتبار افتاد از ايه شريفه كه ما استفاده مي كنيم آيات قران خطابات براي مومنين و مومنات به طور عمده با ضمير مخاطب مذكر مي ايد ياءايها الذين امنوا الي اخر خطابات قراني هميشه جمع مذكر تعبيرات دارد به شكل كه جمع را يك بار براي مذكر رجال يك براي نساء به تفصيل ذكر بكند در خطابات نداريم بنابر اين ان كه اصلاً هيچ گونه دلالت ندارد بر اينكه جنب شدن اختصاص به رجال داشته باشد اين مانع هم رفت مانع سوم كه اصطلاح بود اصطلاح فقها بحث مي شود مني منصرف است به مني رجال بله ريشه اش معلوم است اين انصراف كه از حاق لفظ كه نيست اين انصراف مسلم به خاطر اگلبيت افراد است و خروج و بيرون آمدن مني به طور اغلب و كثير از رجال هست و محل ابتلا و ترشحات هم بيشتر از رجال هست و مورد سوال و بحث آمده اين اطلاق در اصطلاح فقها كه مني به مني رجال بكار مي رود به اعتبار اگلبيت در مصداق هست چيزي بسيار روشني است و هيچ ابهامي در كار نيست تعيين معناي حقيقي از اين استعمال به دست نمي ايد و اما مانع چهارم كه ايه قران بود من مني يميني دو تا سوال اينجا هست يك سوالش مي شود از مسائل مستحدثه سوال مي شود مختصات علمي فقهي مي گوئيد كه لقاح و انعقاد نطفه به توسط ماء رجل و ماء نساء صورت مي گيرد چرا گفته شده من مني فقط مستند شده است به مني رجال اين يك سوال اينجا پيش مي ايد از همين سوال علمي و بعد هم ايه قران مي گوئيد من مني يميني حقيقت بحث اين است كه اين ايه دلالت ندارد بر اينكه مني مختص رجال است بلكه حكايت مي كند حكايت از تحقق نسل به تقدير الهي حق و تكوين نسل به اين شكل است كه مني رجل ريخته مي شود در رحم زنها اين شكل قضيه را اول مني رجال مي ايد در رحم بعد انجا يراق كه ريخته شد لقاح از تركيب هر دوست قران نفي تركيب نكرده تا اشكال بشود كه نطفه از لقاح و تركيب نه از تنها نطفه و مني رجال نه مني يميني يميني كه ريخته شد در رحم يعني لقاح يعني انجا كه ريخته شد پس از عمليات لقاح نطفه بوجود مي ايد نطفه را گفته است پس از مني كه يميني اگر مي گفت من مني بدون يميني اشكال علمي سوال وجود داشت البته ان سوال هم جواب داشت كه مي گفتيم به اعتبار اصلي گفته است اولين حركت به

سوي نطفه مني رجل هست واما بعد از که گفته است مني يمّني لقاح صورت گرفته و انگهي نطفه بوجود مي آيد اين اشکال که که گذاشتيم کنار خود اين ايه واقعيت تکوين نسل را بيان مي کند اما دلالت بر اختصاص نسبت به رجال اصلا ندارد مانع پنجم يا رد دليل پنجم قول به عدم احتلام بانوان راي علمي که گفته شده است که مني از رحم زنها بيرون نمي آيد اين مطلب علمي است ديگر پس محتلم نمي شوند پس بنا بر اين که محتلم نشوند از ترشحاتي که در خواب ببينند نه نجاستي در کار هست نه غسل همين دليل اخراج هم کار را مشکل مي کند منتها ما قبل از که دليل آخر را شرح و توضيح بدهيم دليل بر احتلام را بيان کنيم سه چهار تا مانع را که کنار گذاشتيم الان ادله 1. اجماع فقها بر اين است که بانوان محتلم مي شوند فتوا را هم کهديد 2. نصوصي که در اين باب آمده نصوص در حد استفاضه همين کتاب وسائل جلد 1 باب 7 از ابواب جنابت از حديث 1 تا حديث 18 هفده روايت هم که تقريباً بيشتر از ده تا روايت دلالت دارند بر احتلام يك روايت را از باب مثال بخوانيم روايت شماره 5 صحيحه حلي از امام صادق سند كاملاً محکم و درست عن عده من اصحابنا عليهم الرضوان عن احمد بن محمد بن عيسي اشعري عن ابن ابي عمير عن حماد بن عثمان عن الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام قال **سألت عن المراه تري في المدا ب ما يري الرجل با قرائن قال ان انزلت فعليه الغسل و ان لم تنزل فعليه عليه الغسل** انزال به معنای بيرون آمدن مني هست محتلم مي شود بعد از که در خواب مجامعت را خواب ببيند اگر مني بيرون بيايد واجب است بر او زن که غسل کند دلالت کامل دارد بر احتلام حدود يازده تا روايت روايتي را مرحوم صدوق نقل مي کند در کتاب مقنه روايت شماره 9 اين باب روي **ان المراه اذا احتملت فعليه الغسل اذا انزلت فان لم تنزل فليس عليها** شيئا اين روايت هر چند مرسل بود ولي مرسل صدوق است روايت صحاح و دلائلش كامل نصوص در حد مستفيض حكم مفتا به و اجماع هم که هست شك در مسئله نداريم حالا ان موانع وجه عدم احتلام داشت يا وجوهي که اقامه مي کرد که رد كرديم اما يك دليلش باقي ماند که دليل علمي بود الان نصوص مقابل را مي خوانيم و جمع بين نصوص و ان اشکال علمي هم حل بشود تا اينجا نصوصي بود دال بر احتلام خوشبختانه در همين باب نصوصي است دال بر عدم احتلام صاحب وسائل در همين باب پنج تا روايت وجود دارد و اين روايتها سندهاي درستي هم دارد حد اقل چند تا از اين روايت سندش صحيح است که از جمله روايتي که سند صحيح دارد صحيحه عمر بن اذينه ابن اذينه که از اجلا و ثقات روايت 21 از اين باب مي فرمايد **المراه تحتلم في المنام فتحريق الماء الا عظم فقال ليس عليها** غسل صريح است که غسل ندارد قال ليس عليها غسل و همين طور روايت ديگر مثل پنج تا روايت چند تا روايت از اين پنج تا روايت صحيح از جمله روايت شماره 20 هم صحيحه عمر بن زيد است و روايت شماره 18 هم ان هم روايت عمر بن يزيد است که سند معتبر است خوب حالا ما اين روايت را چه کار كنيم تا قضيه علمي هم معلوم بشود سيد الاستاد مي فرمايد که اين روايات که معارضه مي کنند بنابر مبناي مشكلي ندارد مبناي مشهور اين است که از رواياتي که دلالت دارند بر عدم وجوب غسل و احتلام اعراض کرده اند و بعضي از ان روايات ممکن است تقيه صادر شده باشد بنابر مسلک مشهور که اعراض شده باشد ان روايات يك دائره كامل در اطرافشان کشيده مي شود و از اعتبار خارج است اما مي فرمايد بر مسلک ما که اعراض مشهور و عمل مشهور را برايش اعتبار قائل نيستيم تعارض مي کند بعد از تعارض که تساقط

کردند مراجعه مي كنيم به عمومات انزال مني اختصاص به رجال ندارد عموم انزال هم شامل رجال مي شود و هم شامل نساء اين مطلبي بود كه سيد فرمود و از معارضه روايات دال بر عدم احتلام بيرون رفت

تحقيق مطلب

و اما آنچه تحقيق مطلب است و سيد طباطبائي مي فرمايد و صاحب وسائل بين اين دو دسته روايات جمع کرده است اين را بخوانيم و دقت كنيم مطلب كامل مي شود حقيقت مطلب اين است كه تعارض اصلا نيست اين روايات با ديد و دو جهت و دو نوع بيان آمده صاحب وسائل وجه اين تحقيق را اشاره مي كند در اواخر اين باب مي فرمايد اين پنج تا روايت ممكن است حمل بشود بر موارد شبهه يعني رطوبتي است كه شك مي كند اين رطوبت مني ويا ترشحات ديگر حمل مي شود بر عدم وجوب غسل يا حمل مي شود بر اين كه مني از خانمها به سادگي خارج نمي شود عبارتش را ببينيد اين عبارت خيلي عبارت علمي هم هست دانشمندان كه خبره مي خواهد علمي اعلام بكنند بله فقهاي ما دارند اين عبارت صاحب وسائل است قلما يخرج من فرجها لانه يستقر في رحمها بنابراین همان مطلبي كه علوم پزشكي گفت كه داخل رحم مستقر است صاحب وسائل هم كه تمام دار و ندارش از روايت است مي فرمايد مني در رحم نسوان مستقر است و قلما يخرج بنابراین الان يك جمع بسيار جالب و مطابق با علم با اشاره صاحب وسائل كه مي فرمايد مني از رحم نسوان خارج نمي شود قلما يخرج اين مطلب را كامل شد و مطلب را براي ما روشن شد لذا روايات كه دو دسته آمده است پيدا شد ان رواياتي كه مي فرمايند غسل بر نسوان واجب مي شود اذا انزلت فرضي است از لحاظ علمي كه بنده پرسيدم گفتند خيلي مشكل است به صورت نادري ممكن است خارج بشود ما را كافيه كم و زيادش را كاري نداريم همين كه ثابت شد صاحب وسائل ما فرموده بود شما علم چيزي اضافه نداريد قلما يخرج ان دسته كه مي فرمايند كه غسل بر آنها واجب است فرضي مي گویند اذا انزلت و ان دسته اي كه مي گوید غسل بر آنها واجب نيست به طور اغلب به طور معمول و متعارف احتلامها و ترشحات كه علمي به انزال پيدا نكند حكم عدم احتلام است پس دو دسته از روايت فتوا را براي ما روشن ساخت كه قولي كه گفته مي شود المراه تحتلم درست است و لو مصداقش نادر باشد روايت هم به دو قسم آمده است تعارضي در كار نيست ان شاء الله مويد و موفق باشيد